زادروز فرخنده حضرت مهدی موعود(عج) را تبریک می‌گوییم
WWW.TAADOLNEWSPAPER.IR
تعادل
نیاز اقتصاد ایران
سه‌شنبه ۱۴ بهمن ۱۴۰۴ | ۱۴ شعبان ۱۴۴۷ | سال دوازدهم | شماره ۳۲۵۲ | ۸ صفحه | قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان | Vol. 11 | No. 3252 | Tue. Feb 3. 2026

دلار	یورو	تمام‌سکه	شاخص بورس
--	--	--	--

ارتباطاتی که برنگشت و سرمایه‌ای که عقب نشست
رویای رشد اقتصاد دیجیتال با اینترنت ناپایدار
صفحه ۶

تعیین عیدی ۴ میلیون و ۵۰۰ هزار تومانی برای بازنشستگان در برابر تورم ۶۰ درصدی
عیدی پایان سال و واقعیت تلخ سفره بازنشستگان
صفحه ۸

هشدار به رانتخواران، حمایت از محرومان
تلاش دو قوه برای یک هدف تاریخی

در ماه‌های اخیر، مجموعه‌ای از اقدامات و برنامه‌ریزی‌های دولت و مجلس در حوزه سیاست‌گذاری اقتصادی در دستور کار قرار گرفته که هدف مشترک آنها، اصلاح ساختارهای معیوب گذشته و کاستن از فشارهای معیشتی بر خانوارهاست. این اقدامات اگرچه در فضایی پر از تردید، محدودیت منابع و بی‌اعتمادی عمومی دنبال می‌شوند، اما از منظر بسیاری از کارشناسان اقتصادی نشانه‌ای از تغییر رویکرد در مواجهه با چالش‌های مزمن اقتصاد ایران به شمار می‌آیند. دو محور اصلی این سیاست‌ها، یکی تلاش برای تک‌نرخی کردن ارز و حذف رانت‌های گسترده ناشی از نظام چندنرخی و دیگری برنامه‌ریزی برای حفظ قدرت خرید مردم در شرایط تورمی است؛ دو موضوعی که به‌طور مستقیم با عدالت اقتصادی، کارایی سیاست‌ها و اعتماد عمومی گره خورده‌اند. در حوزه سیاست ارزی، حرکت به سمت تک‌نرخی کردن ارز سال‌هاست به عنوان یکی از مطالبات جدی...
صفحه ۲ را بخوانید

«تعادل» بررسی می‌کند
رخت سبز بر تن بورس

بالاخره ورق بورس برگشت و شاخص کل بورس مجددا وارد محدوده ۴ میلیونی شد. شاخص کل بورس طی روزهای اخیر از محدوده چهار میلیونی عبور کرده بود و روز گذشته به این محدوده که از نظر روانی و تکنیکی مقاومتی مهمی است، بازگشت و احتمالا بتواند در میان مدت دوباره نقدینگی را جذب کند. بورس تهران طی روزهای اخیر روند نزولی داشت و با خروج نقدینگی سنگین مواجه شد و مثبت‌های اخیر خود را از دست داد. بسیاری از کارشناسان علت این موضوع را...
صفحه ۴ را بخوانید

دولت از مسوولیت قانونی خود عقب نشست؟
بحران مسکن در نقطه صفر زمین

در شرایطی که تازه‌ترین داده‌های رسمی از عبور میانگین قیمت هر متر مربع مسکن در کلان‌شهرها از سقف‌های قبلی حکایت دارد و نرخ‌های اجاره در بسیاری از مناطق تا ۶۰ درصد رشد سالانه را تجربه کرده‌اند، سیاستگذاری در بخش مسکن نه به سمت مهار سوداگری حرکت کرده و نه به سمت آزادسازی زمین. برآوردها نشان می‌دهد متوسط زمان انتظار خانه‌دار شدن برای خانوارهای شهری از مرز ۵۰ سال عبور کرده و...
صفحه ۵ را بخوانید

یادداشت-۱
دستمزدها، تله فقر و دور باطل تورم و نقدینگی

حمیدحاج‌اسماعیلی

با نزدیک شدن به روزهای پایانی سال، بحث تعیین دستمزد بار دیگر به یکی از چالش‌برانگیزترین موضوعات اقتصادی کشور تبدیل شده است. موضوعی که این بار بیش از گذشته تحت تاثیر تورم، نوسان قیمتی و نااطمینانی‌های اقتصادی قرار دارد. اما شرایط امسال تفاوت معناداری با سال‌های گذشته دارد، چراکه مجموعه‌ای از متغیرهای اقتصادی و غیراقتصادی باعث شده فرآیند تعیین دستمزد برای سال آینده به یکی از پیچیده‌ترین تصمیم‌های سیاستگذاری طی دهه‌های اخیر تبدیل شود. برخلاف برخی نگاه‌های ساده‌انگارانه، افزایش دستمزد صرفا یک تصمیم اقتصادی ساده و موضوعی عددی نیست و پیامدهای گسترده‌ای در اقتصاد دارد. از یک سو، فشار معیشتی ناشی از گرانی‌های پی در پی، قدرت خرید کارگران و بازنشستگان را به شدت کاهش داده و از سوی دیگر، فرآیند افزایش دستمزد بدون مهار تورم می‌تواند به رشد نقدینگی و تشدید همین چرخه فشار منجر شود. در واقع دولت در یک فرآیند متناقض گرفتار شده. اگر دستمزدها را به اندازه تورم افزایش دهد باید تبعات مخرب رشد نقدینگی و افزایش تورم و فشار به دهک‌های محروم را بپذیرد. اگر هم میزان دستمزدها را کمتر از نرخ تورم بالا ببرد، باید آماده نقدها و فشارهای حقوق‌بگیران و دهک‌های کم‌برخوردار جامعه و البته تحلیلگران باشد. هنوز برای اعلام ارقام قطعی دستمزد زود است. روال معمول این است که جلسات جدی شورای عالی کار در اواخر بهمن و اوایل اسفند برگزار می‌شود، چراکه دو مولفه کلیدی در تعیین دستمزد، یعنی نرخ تورم و سبد معیشت باید به صورت دقیق و نهایی مشخص شوند. تورم بهمن ماه معمولا مبنای اصلی تصمیم‌گیری است و از سوی دیگر، سبد معیشت به دلیل افزایش شدید قیمت‌ها در هفته‌های اخیر، نیازمند بازنگری جدی است. شرایط اقتصادی کشور هم بسیار خاص است و مردم تحت فشار معیشتی قابل توجهی قرار دارند. ایرانیان هر روز شاهد افزایش قیمت‌ها هستند. هم نرخ تورم در حال بالا رفتن است و هم مولفه‌های اقتصادی دائما در حال نوسانند. در کنار این، تنش‌های سیاسی و امنیتی و تاثیر آنها بر نرخ ارز، به‌طور مستقیم روی قیمت کالاها اثر گذاشته است. همین فضای بی‌ثبات باعث شده پیش‌بینی وضعیت سال آینده نیز با ابهام جدی همراه باشد.

در این شرایط مفهومی با عنوان «تله فقر و دور باطل تورم و نقدینگی» در اقتصادهایی مانند ایران شکل می‌گیرد؛ وضعیتی که در آن، افزایش دستمزد برای جبران فشار معیشتی، خود به عاملی برای افزایش تورم تبدیل می‌شود و در نهایت، کارگران دوباره متضرر می‌شوند اگر این چرخه شکسته نشود، مشکلات معیشتی در سال‌های آینده نه تنها کاهش نمی‌یابد، بلکه تشدید خواهد شد.

دولت چهاردهم در روزهای اخیر نشانه‌هایی از انعطاف برای لحاظ کردن نرخ تورم در افزایش دستمزدها را نشان داده، اما این اقدام به تنهایی کافی نیست. حتی اگر تمام نرخ تورم در افزایش حقوق لحاظ شود، باز هم شکاف معیشتی پر نخواهد شد، چراکه تورم پس از افزایش دستمزد، اثر آن را خنثی می‌کند. لازم است راهکارهای مکمل اتخاذ شوند. دولت پیش از هر چیز باید خط فقر را به صورت شفاف تعریف کند. این اقدام می‌تواند مبنای دقیق‌تری برای سیاستگذاری دستمزدی باشد. بدون تعریف روشن خط فقر، هر تصمیمی درباره دستمزد، ناقص و غیرهدفمند خواهد بود.

کنترل قیمت‌ها و مهار تورم، محور دوم پیشنهادهای من است. ریشه اصلی تورم تنها در مسائل داخلی نیست، بلکه ثبات در حوزه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در آرام گرفتن بازارها داشته باشد. تا زمانی که نااطمینانی‌های سیاسی و اقتصادی ادامه داشته باشد، روند افزایشی قیمت‌ها متوقف نخواهد شد. یکی دیگر از پیشنهادهای مهم، بازنگری در سازوکار تعیین دستمزد است. برخلاف روال سال‌های گذشته، لازم است دولت اجازه دهد دستمزدها در طول سال و به صورت دوره‌ای مورد بازنگری قرار گیرد.
ادامه در صفحه ۳

یادداشت-۲
اصول حکمرانی اقتصادی

مجیدرضا حریری

اصل ماجرا این است که ما در شرایط بی‌حاکمیتی اقتصادی زندگی می‌کنیم، نه حاکمیت اقتصادی. اکنون که به ایام ماه مبارک رمضان نزدیک می‌شویم، دولت اعلام می‌کند که قیمت‌ها اعم از قیمت زولبیا و بامیه و... را تعیین کرده است؛ کاری که حتی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی نیز به این شکل انجام نمی‌داد. در کشور نیز شاهد بوده‌ایم که دست کم سه یا چهار رییس جمهور گفته‌اند ما سرک کشیدن به حساب‌های مردم را جایز نمی‌دانیم، اما مگر می‌شود بدون نظارت بر تراکنش‌های بانکی، اقتصاد کشور را اداره کرد؟ اصلا مفهوم FATF یعنی چه؟ یعنی شفافیت مالی و امکان رصد جریان پول.

در کدام کشور می‌توان از پشت میز تماس گرفت و گفت من به حساب تو دسترسی دارم و بدانیم چه میزان پول در گردش است، اما نتوان اقتصاد را مدیریت کرد؟ از حوادث اسلامشهر و قزوین گرفته تا مشهد، سپس وقایع سال‌های ۱۳۷۸، ۱۳۸۸، ۱۳۹۶، ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱، همواره بحران‌هایی را تجربه کرده‌ایم که در بسیاری از آنها، جان انسان‌های بی‌گناه از دست رفته است. آیا می‌توان ریشه این همه بحران را نادیده گرفت؟

ما وزیران اقتصادی متعددی داشته‌ایم که با دیدگاه‌های متفاوت و حتی متضاد از دانشگاه‌ها و مراکز علمی آمده‌اند، اما در نهایت خروجی عملکرد آنها تفاوت معناداری نداشته است. واقعیت این است که بیش از ۸۰ درصد تجارت خارجی ایران در اختیار مدیران منصوب دولت است؛ یعنی یک الیگارشی اقتصادی که خود حاکمیت آن را شکل داده است. با این مدل حکمرانی، اکثریت مردم متضرر می‌شوند و حتی خود این گروه‌ها نیز به دلیل بدهی‌های سنگین بانکی، در نهایت آسیب خواهند دید. اگر این روند اصلاح نشود، چشم‌انداز مثبتی برای کشور وجود نخواهد داشت. این ضربه‌ها اگر جامعه را بیدار نکند، پیامدهای بسیار سنگینی در همه حوزه‌ها به همراه خواهد داشت. بارها گفته شده که اقتصاددانان را به رسانه‌ها دعوت کنید تا مسائل را توضیح دهند، اما در عمل، کسانی به عنوان نماینده کسبه و بازار معرفی می‌شوند که نماینده کسبه و مردم نیستند بلکه الیگارش‌ها هستند. در سال ۱۳۸۹، زمانی که هنوز اتاق بازرگانی به طور کامل تصفیه نشده بود و چند نفر امکان طرح دیدگاه‌های واقعی داشتند، ما بیانیه رسمی دادیم و خواستار توقف خصوصی‌سازی در تمام ابعاد شدیم، زیرا این روند باعث شد ابزارهای حکمرانی اقتصادی از دست دولت خارج و به افراد وابسته به الیگارشی سپرده شود. اگر به جای این بی‌نظمی و آشفتگی، چارچوبی منسجم و مبتنی بر نظریه‌های اقتصادی روشن انتخاب می‌شد، امروز وضعیت کشور به‌مراتب بهتر از شرایط فعلی بود.

یادداشت-۳
درس‌های اقتصاد هند به ایران

پوریا زرشناس

خودکفایی اقتصادی، آرمانی است که بسیاری از کشورهای در حال توسعه، به ویژه آنهایی که گذشته‌ای استعماری دارند یا تحت فشارهای سیاسی خارجی قرار گرفته‌اند، در برهه‌ای از تاریخ خود دنبال کرده‌اند. هند پس از استقلال و ایران پس از انقلاب و به‌ویژه در دوران تشدید تحریم‌ها، هر دو به نوعی این آرمان را در سر پروراندند. اما نحوه تفسیر و اجرای این مفهوم، در دو کشور مسیرهای اقتصادی کاملا متفاوتی را رقم زده است. هند پس از دهه‌ها انزوا و رشد کند، درهای اقتصاد خود را به روی جهان گشود و به یکی از پررشدترین اقتصادهای جهان تبدیل شد. ایران نیز در سال‌های اخیر با طرح مفهوم «اقتصاد مقاومتی»، بر تقویت تولید داخلی و کاهش وابستگی تاکید کرده است. سوال کلیدی این است: آیا بستن دروازه‌های اقتصادی و تکیه بر تولید داخلی به تنهایی می‌تواند موتور محرک جهش اقتصادی باشد؟ یا آنکه هند با تغییر استراتژی خود، درس متفاوتی به جهان داده است؟

◄ مدل هند: از انزوا به یکپارچگی با جهان:
پس از استقلال در سال ۱۹۴۷، هند تحت تاثیر اندیشه‌های سوسیالیستی و تجربه تلخ استعمار، مدل «جایگزینی واردات» را در پیش گرفت. دولت با ملی‌سازی صنایع کلیدی، اعمال تعرفه‌های سنگین و محدود کردن شدید سرمایه‌گذاری خارجی، سعی کرد اقتصاد را از زمین تا صنعت، خودکفا کند.

(الف) نتایج انزوا: رشد کم، فقر گسترده و کیفیت پایین: این مدل اگرچه زیرساخت‌های صنعتی اولیه را ایجاد کرد، اما به بهای رشد اقتصادی بسیار کند (معروف به «نرخ رشد هندو») تمام شد. بخش خصوصی در چنبره مقررات پیچیده (قانون مجوزدهی یا «License Raj») خفه می‌شد، رقابت بین‌المللی وجود نداشت و محصولات داخلی اغلب کم کیفیت و گران بودند. هند در دام فقر و بیکاری گسترده گرفتار آمده بود.

(ب) آزادسازی تدریجی دهه ۱۹۹۰: بحران شدید ارزی در سال ۱۹۹۱، هند را به لبه ورشکستگی کشاند. این بحران، زنگ بیداری برای سیاستگذاران بود. دولت تحت رهبری مانموهان سینگ (وزیر دارایی وقت)، برنامه اصلاحات ساختاری گسترده‌ای را آغاز کرد که شامل آزادسازی تجاری (کاهش تعرفه‌ها)، جذب فعال سرمایه‌گذاری خارجی، خصوصی‌سازی صنایع دولتی و حذف تدریجی نظام مجوزدهی خفقان‌آور بود. هند درهای خود را به روی جهان گشود، اما نه به‌طور کامل و یک‌شبه، بلکه با برنامه‌ای مرحله‌ای و محتاطانه.

(ج) انتخاب حوزه برتر: جهش در خدمات و فناوری: نکته هوشمندانه هند، عدم تلاش برای رقابت در تمام عرصه‌ها بود. به جای رقابت دشوار با قدرت‌های صنعتی در تولید انبوه کالا، هند بر مزیت نسبی خود سرمایه‌گذاری کرد: نیروی کار تحصیلکرده، انگلیسی‌زبان و کم‌هزینه. با تمرکز بر بخش خدمات، به ویژه فناوری اطلاعات (IT) و خدمات برون‌سپاری، هند توانست به «دفتر کار دنیا» تبدیل شود. این بخش، بدون نیاز به زیرساخت‌های عظیم صنعتی و با جذب سرمایه و دانش خارجی، موتور رشد اقتصادی و ایجاد میلیون‌ها شغل با درآمد خوب شد. امروز، شرکت‌های هندی مانند «تاتا» و «اینفوسیس» جزو بازیگران جهانی هستند.

مقایسه کلیدی: تفاوت در فلسفه و اجرا

محور مقایسه	مدل هند (پس از اصلاحات)	مدل اقتصاد مقاومتی ایران
نقش بخش خصوصی	موتور محرک اصلی؛ دولت مقررات زدایی کرد و فضای رقابت ایجاد کرد.	عمدتا تکمیل کننده دولت؛ هنوز تحت تاثیر دولت و بنگاه‌های شبه‌دولتی
رابطه با اقتصاد جهانی	یکپارچگی فعال و انتخابگرانه؛ باز کردن درها برای جذب سرمایه، فناوری و دسترسی به بازارهای صادراتی	انفعال تدافعی؛ تمرکز بر کاهش آسیب‌پذیری در برابر تحریم‌ها، با دسترسی محدود به بازارهای جهانی
انعطاف‌پذیری و نوآوری	بالا؛ سیستم برای پاسخ به سیگنال‌های بازار جهانی تنظیم شد. بخش IT نمونه موفق adaptability است.	پایین‌تر؛ به دلیل محدودیت در تعامل، سیستم بیشتر معطوف به تامین نیازهای داخلی در شرایط ثابت است.
کانون رشد	بخش خدمات با ارزش افزوده بالا (فناوری اطلاعات، مالی، دارویی)	بخش صنعت و کشاورزی در کالاهای اساسی با ارزش افزوده متوسط

◄ مدل اقتصاد مقاومتی در ایران: مقاومت در برابر فشار:
اقتصاد مقاومتی در ایران، به ویژه در یک دهه اخیر، عمدتا پاسخی به تشدید تحریم‌های بین‌المللی بوده است. هدف اصلی، کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد در برابر شوک‌های خارجی از طریق تقویت درون‌زا بودن است.

(الف) تاکید بر تولید داخلی و خودکفایی در کالاهای اساسی
در این مدل، بر تولید داخلی کالاهای اساسی (از غذا و دارو تا کالاهای صنعتی پایه) تاکید فراوان می‌شود. خودکفایی در گندم، دارو و محصولات راهبردی، یک اولویت امنیتی-اقتصادی تلقی می‌شود. این رویکرد، قطعا دستاوردهایی در کاهش وابستگی مطلق در برخی حوزه‌های حیاتی داشته است.
ادامه در صفحه ۳

یادداشت-۴
تغییر مسیر بورس

مریم محبی

در میان بازارهای مختلف اقتصادی کشور، بورس همچنان یکی از معدود بسترهای مولد به شمار می‌رود؛ بازاری که علی‌رغم همه ناملایمات، بی‌ثباتی‌ها و شوک‌های سیاسی و اقتصادی، هنوز بخشی از فعالان آن نه صرفا با نگاه سوداگرانه، بلکه با نوعی دغدغه‌مندی نسبت به آینده اقتصاد کشور در آن حضور دارند. واقعیت این است که برای بخشی از سهامداران، ماندن در بازار سرمایه بیش از آنکه حاصل هیجان یا قمار اقتصادی باشد، نشانه‌ای از علاقه و پیوند عمیق‌تر با سرنوشت اقتصادی کشور است.

البته نمی‌توان انکار کرد که در هر بازاری، گروهی نیز با انگیزه‌های کوتاه‌مدت، هیجانی یا حتی لجبازانه فعالیت می‌کنند، اما به نظر می‌رسد وزن این نگاه‌ها در بورس امروز نسبت به گذشته کاهش یافته است. آنچه اکنون بیش از هر چیز رفتار سرمایه‌گذاران را شکل می‌دهد، نه هیجان، بلکه ارزیابی ریسک‌ها، سطح اعتماد و چشم‌انداز پیش‌روی اقتصاد است.

در همین چارچوب، یکی از پرسش‌های مهم این روزهای بازار سرمایه، موضوع ریسک‌های سیاسی و به ویژه ریسک‌های مرتبط با تنش‌های منطقه‌ای و احتمال درگیری‌های نظامی است. برخی معتقدند که سطح این ریسک‌ها تا حدی کاهش یافته، اما پرسش کلیدی اینجاست که آیا کاهش نسبی ریسک‌های سیاسی می‌تواند به تنهایی مسیر بورس را تغییر دهد؟ پاسخ به این سوال، ساده و تک‌بعدی نیست. تجربه بازار سرمایه نشان می‌دهد که تغییر روند پایدار از فاز منفی به مثبت، نیازمند مجموعه‌ای از پیش‌شرط‌هاست که به صورت زنجیروار به یکدیگر متصل‌اند. نخستین حلقه این زنجیر، کاهش واقعی و ملموس ریسک‌های سیاسی است؛ نه کاهش لفظی یا مقطعی. بازار به وعده‌ها و اکنش بلندمدت نشان نمی‌دهد، بلکه به نشانه‌های عملی و پایدار توجه می‌کند.

حلقه دوم، افزایش اعتماد است؛ اعتمادی که هم باید در سطح سیاستگذاری اقتصادی شکل بگیرد و هم در رفتار نهادهای تصمیم‌گیر. بدون بازسازی اعتماد، حتی در شرایط کاهش نسبی ریسک‌ها، سرمایه‌گذار ترجیح می‌دهد همچنان محتاط باقی بماند.
ادامه در صفحه ۳

سامانه پیامکی روزنامه تعادل
به شماره ۳۰۰۰۵۳۲۰ در دسترس شماست
مخاطبان عزیز می‌توانند نظرها، انتقادات و پیشنهادهای خود در مورد مطالب مختلف روزنامه را با ذکر جزئیات به این سامانه پیامک نمایند.

مژده مژده
برای دریافت مشاوره و برنامه ریزی و پکیج هدیه آموزشی
رتبه برتر شو
باشماره ۰۹۱۲۹۶۷۸۱۳۴ تماس بگیرید